

لا اله الا الله

١٠٥٧٩١

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی
بخش نشریات

شماره ثبت	PIR
شماره مدرک	۸۵۸
شماره رکورد	۸۴/۸/۸

اخلاق در سروده های زرتشت

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

استاد راهنما: دکتر سهیلا صلاحی مقدم

استاد مشاور: دکتر فاطمه کوپا

دانشجو: سپیده لطفی

مراکز اطلاعات و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۹۴/۰۲/۱۴

۱۰۵۳۹۱

سپاسگزاری

سپاس بی پایان آن یگانه بی همتا را لطف بی کرانش دستگیریم کرد و عنایت و رحمت بی دریغش بدرقه راهم شد تا بتوانم در این مسیر نیک و باارزش قدمی کوچک بردارم.

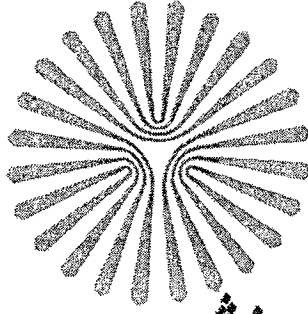
سپاس خداوند یگانه مهربانی که پرتو نور هدایت خود را چون توشه راه به من ارزانی داشت و مرا به سوی بهترین امر رهنمون کرده، تاب و توان طی کردن این راه را به من عطا فرمود.

سپاس پدر و مادری دلسوز و پرمهر را که توجه و راهنمایی آنها در لحظه به لحظه زندگی همراهیم کرده و نگرانی و مهربانیشان هیچگاه رهایم نکرده است.

سپاس اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مرکز تهران را که در این دوره از نعمت ارشاد آنها بهره مند بودم.

سپاس استاد راهنمای گرامی خانم دکتر صلاحی مقدم و استاد مشاور محترم خانم دکتر کوپا که مرا در نگارش این پایان نامه دلسوزانه یاری نمودند و بدون به کار بستن تذکرات و راهنمایی های بی شائبه ایشان به پایان بردن این امر میسر نبود.

همچنین سپاس برادران و خواهران عزیزم بخصوص برادر و خواهر کوچکم علی رضا و فاطمه لطفی را که در امر نوشتن فیشها و تایپ مطالب یاریم نمودند.



دانشگاه سیام نور
پ

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان:

اخلاق در سروده های زرتشت

تاریخ دفاع ۸۵ / ۱۲ / ۲۳

اعضای هیات داوران:

نام و نام خانوادگی

۱- خانم دکتر سهیلا صلاحی مقدم

۲- خانم دکتر فاطمه کوپا

۳- آقای دکتر نجفداری

۴- خانم دکتر فاطمه کوپا

امضاء هیات داوران

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داور

نماینده گروه

برای کسی که تپش های قلبش تکرار
اصالت باستانی من است.

فهرست جدولها

صفحه

۴۳

عنوان

جدول حروف دین دبیره

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲-۱	مقدمه
	فصل اول: فائده آموزش ادبیات کهن
۷-۶	۱- متون اوستایی
۱۱-۷	۲- کتب پهلوی
	فصل دوم: زندگی زردشت به روایت تاریخ
۱۳	۱- زردشت، پیامبر ایران باستان
۱۵-۱۳	۲- کلمه زردشت از نظر لغوی
۱۵	۳- زادگاه زردشت
۱۶-۱۵	۴- زمان زردشت
۱۸-۱۶	۵- زردشت در انزوا
۱۹-۱۸	۶- آغاز رسالت
۱۹	۷- وفات زردشت
	فصل سوم: زندگی زردشت به روایت اسطوره
۲۴-۲۱	۱- تولد زردشت
۲۵-۲۴	۲- نوجوانی و جوانی
۲۵	۳- برگزیده شدن زردشت به پیامبری
۲۶	۴- زردشت در دربار گشتاسب
۲۶	۵- وفات زردشت
	فصل چهارم: اوستا
۲۸	۱- کلمه اوستا از نظر لغوی
۲۹-۲۸	۲- زند و پازند
۳۲-۳۰	۳- زمان کتابت اوستا

۳۲	۴- زبان اوستا
۳۳-۳۲	۵- چگونگی اوستا از لحاظ کمیت
۳۹-۳۳	۶- بخشهای اوستای کنونی
	فصل پنجم: سوشیانس
۴۱	۱- معنی کلمه سوشیانس
۴۲-۴۱	۲- تولد سوشیانتها
۴۳-۴۲	۳- اسامی موعودهای مزدیسنا
۴۳	۴- مکان ظهور سوشیانتها
	فصل ششم: امشاسپندان، ایزدان بزرگ مزدیسنا
۴۵	۱- معنی لغوی امشاسپند
۴۵	۲- اسامی امشاسپندان
۴۶-۴۵	۳- اشاره هایی که در اوستا به امشاسپندان شده است
۴۶	۴- سپنت مینو
۴۷-۴۶	۵- اهورامزدا
۴۸-۴۷	۶- بهمن
۴۹-۴۸	۷- اردی بهشت
۵۰-۴۹	۸- شهریور
۵۱-۵۰	۹- سپندارمذ
۵۲-۵۱	۱۰- خورداد و امرداد
۵۳-۵۲	۱۱- رابطه اسامی امشاسپندان و نام ماههای سال
	فصل هفتم: ویژگیهای اخلاقی ذکر شده در گاته ها و سایر قسمتهای اوستا
۸۷-۵۵	۱- راستی
۹۲-۸۸	۲- پرهیز از خشم
۹۶-۹۳	۳- وفای به عهد و پیمان
۱۰۲-۹۷	۴- ستایش دلاوری
۱۰۷-۱۰۳	۵- مقدس داشتن چارپایان و عناصر طبیعت
۱۱۱-۱۰۸	۶- نکوهش گناه کید ، دزدی و راهزنی و دیگر گناهان
۱۱۳-۱۱۲	۷- ستایش عمری طولانی و به دور از آفات و امراض

۱۱۸-۱۱۴	۸-کار و کوشش
۱۲۴-۱۱۹	۹-ستایش رفاه و تندرستی و خواسته و فرزندان بسیار
۱۲۸-۱۲۵	۱۰-رادی و بخشش
۱۲۹	۱۱-برابری زن و مرد پارسا
۱۳۲-۱۳۱	۱۲-پیکار در راه دین
۱۳۴-۱۳۳	۱۳-زن و مرد برعمل
۱۳۵	۱۴-نکوهش سترونی و نازایی
۱۳۷-۱۳۶۱	۱۵-آزادی و اختیار در پذیرفتن دین
۱۳۹-۱۳۸	۱۶-زنان وفادار به خانواده و همسر
۱۴۰	۱۷-آموزگار نیک و آموزگار بد
۱۴۱	۱۸-ستایش علم و دانش مزدا آفریده
۱۴۲	۱۹-دوستی
۱۴۳	۲۰-دورویی
۱۴۴	۲۱-توبه «پتت»
۱۴۵	۲۲-پلیدی شراب
۱۴۶	۲۳-خوش صحبتی
۱۴۷	۲۴-پیش اندیشی
۱۴۹-۱۴۸	نتیجه گیری

چکیده

تعلیمات و دستورات اخلاقی که در اوستا و بخصوص گائنه ها بیان شده است بسیار قابل توجه بوده، در این پایان نامه سعی شده است بدان پرداخته گردد.

این پایان نامه به هفت فصل تقسیم شده است. بخش نخست در مورد فائده آموزش ادبیات دوره کهن ایران است، که در آن در مورد متون اوستایی و پهلوی که از ایران باستان به جا مانده، سخن رفته است. فصل دوم به زندگی زردشت به روایت تاریخ و فصل سوم به زندگی اسطوره ای زردشت، از تولد تا مرگ پرداخته شده است. در بخش چهارم اوستا از لحاظ زبان و خط و همچنین بخشهای مختلف آن در گذشته و امروز بررسی شده است. پنجمین فصل در مورد سوشیانس، موعود مزدیسنا و فصل ششم راجع به امشاسپندان، ایزدان بزرگ مزدیسنا می باشد، و فصل هفتم به بررسی ویژگیهای اخلاقی نظیر ستایش راستی، پرهیز از دروغ، پرهیز از خشم و ... پرداخته شده است.

انگیزه پژوهنده از تحقیق در این موضوع بررسی ماهیت ارزشها و معیارهای اخلاقی در فلسفه زردشت و همچنین بحث در مورد نمادهایی که برای نشان دادن اخلاق نیک و زشت در اوستا به کار رفته است، می باشد.

لغات کلیدی این پایان نامه عبارتند از: اخلاق، زردشت، گائنه ها، اوستا

مقدمه

زمانی که برای تعیین موضوع پایان نامه با استادان محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مشورت می‌کردم به این نتیجه رسیدم که تحقیق در اوستا برایم بسیار جذاب و دلنشین است، و در عین حال برای ادب پارسی نیز می‌تواند ثمر بخش باشد، چرا که اولین متن ادبی ما در طول تاریخ کهنسال ایران، متن کتاب دینی اوستا است. سپس در میان موضوعات متعددی که در این کتاب قابل بحث و پژوهش بود موضوع اخلاق را برگزیدم. با بررسی رساله‌هایی که راجع به این کتاب نگاشته شده است پی بردم که در رابطه با موضوع مورد نظر من به صورت وسیع کاری ارائه نشده است. بعد از اینکه از این بابت اطمینان حاصل کردم این موضوع را به گروه محترم ادبیات پیشنهاد کرده با موافقت استادان محترم کارم را در این زمینه آغاز کردم. سپس با اجازه مدیر گرامی گروه، خانم دکتر کوپا، راهنمایی این رساله را، خانم دکتر صلاحی مقدم، و مشاوره را، خانم دکتر کوپا، پذیرفتند. سپس به مطالعه اوستا و فیش برداری موضوعی از آن پرداختم و با حروف و کلمات اوستایی و خط دین دبیره تا آنجا که ممکن بود آشنا شدم، و همچنین تا آنجا که مقدور بود تمام کتابهایی را که در مورد اوستا و زرتشت و اعتقادات دین زرتشتی نگاشته شده بود، مورد مطالعه قرار دادم.

زرتشت پیامبر، یکی از فرستادگان الهی است و ایرانیان این افتخار را داشته‌اند که در حدود سه هزار سال پیش پیامبری بر آنها نازل شد و با دستورات الهی و انسان ساز به تربیت آدمیان همت گماشت و اوستا را برای آنها به ارمغان آورد.

شناخت ریشه‌های اخلاقی و فرهنگی ایران باستان مستلزم مطالعه و دقت در متون گذشته «به زبان اوستایی و پهلوی بر جای مانده» و همچنین کتیبه‌های دوران کهن می‌باشد. با تتبع در این آثار می‌توان به رفتار و عادات نیک اجداد این سرزمین و انعکاس آن در برخی از رسوم عصر حاضر پی برد. یکی از این منابع ارزشمند اوستا است. این کتاب دینی مشحون از دستورهای اخلاقی بوده آدمی را به تفکر و آمی دارد تا، نسبت به رفتارهایش احساس مسئولیت بیشتری داشته باشد. قدیمترین جزء این کتاب گائنه‌ها است که منسوب به زرتشت پیامبر می‌باشد.

زرتشت در سروده هایش با بیانی شیرین و بسیار زیبا از انسانها می خواهد راه راست را از دروغ بازشناسند و همواره جویای اخلاقی انسانی و تمدنی بارور باشند. توصیه های اخلاقی که در این نیایشها بدان اشاره رفته است بسیار قابل تأمل و توجه بوده، دلیلی است برای تحقیق و پژوهش این موضوع در این متن ادبی و دینی.

البته در طی هجوم اسکندر و همچنین زمانی که سلسله ساسانی از هم پاشید، خواه ناخواه کتاب اوستا دچار تحریف و دگرگونی شد، بنابراین آنچه هم اکنون در دست است قسمتی است از اوستای عهد ساسانی، اما آنچنان که گفته اند گاتها که در این پایان نامه مبنای کار قرار گرفته شده است، از خود زرتشت، پیامبر ایران باستان است و زبان آن دارای قدمت و کهنگی چند هزار ساله می باشد.

در این پایان نامه سعی بر آن بوده است که جواب مستدلی برای برخی پرسشها داده شود. پرسشهایی مانند این که ماهیت ارزشها و معیارهای اخلاقی در فلسفه زردشت و در اوستا چیست؟ یا چه نمادهایی برای نشان دادن اخلاق نیک و اخلاق زشت به کار رفته است؟ و سلسله مراتب ارزشها در دین زردشت چیست؟

دیگر این که چه رابطه ای بین آزادمندی و رفتارهای نیک ایرانیان باستان با آموزش های اخلاقی زردشت در اوستا می باشد.

همزمان با نوشتن این پایان نامه تا جایی که امکان داشت به مطالعه الفبای دین دبیره پرداختم. برای آشنایی با این نوع الفبا در صفحات بعد حروف با آوا و بی آوای دین دبیره آمده است. لازم به ذکر است که این دو صفحه از کتاب یادداشتهای گاتها کپی برداری شده است.

دین دبیری

۱۳۱۰ و ۱۳۰۹

حرفهای با آوا VOWELS

Transcription	مثال از اوستا	English	اوستا
ahura	دس دلد	a short	د
ādā	سد و سد	ā long	د
yazamaide	۳۳ سد سد و سد	e short	ع
daênā	دند و سد	ê long	ع
ə-vərəzika	د د د د و د	ə short	د
āmavant	د د د و سد	ā long	د
gaona	د سد و سد	o short	د
nōit	د و د	ō long	د
ānhan	سد و سد و سد	ā = aw	د
asu	د و د	a	د
idha	د و د	i short	د
išti	د و د و د	i long	د
urvarā	د و د و سد	u short	د
ûtha	د و د	û long	د

حرفهای بی آوا CONSONANTS

kar	و سد	k	و
gam	د سد	g	ع
xratu	د سد و د	x = kh	د
ghzar	د سد و د	gh	د
çithra	د و د و سد	ç = ch	د
Ĵāmāspa	د سد و سد و د و سد	Ĵ	د
tafnu	د سد و د	t	د
dûra	و د و سد	d	د
gāthā	د سد و سد	th	د

Transcription	مثال از اوستا	English	اوستا
baodha	بهدا	dh	د = ه
barat	بارت	t	ت
peretu	پرتو	p	پ
bar	بار	b	ب
fraēšta	فرشتا	f	ف
awra	اورا	w	و
vaihu	وایه	n ang nasal	و
daihu	دایه	n ang nasal	د
nmāna	نمانا	n	ن
Haētumant myazda	هتومتانت میزدا	n m	ه م
yasna	یاسنا	Y	ی
nyāka	نیاکا	y	ن
varəz	وارز	V	و
hāvana	هوانا	v	و
raoxshna	راوشنا	r	ر
sarəta	سارتا	s	س
zyā	زیآ	z	ز
uštra	اوشترا	š = sh	ش
shu	شو	sh	ش
šyā	شیا	š(y)	ش
znātar	زناتار	ž	ژ
hunara	هونارا	h	ه
hyaona	هیونا	h = kh	ه
x ^v afna	خافنا	x ^v = kh ^v	خ
		Y	ی

فصل اول:

فائده آموزش ادبیات دوره کهن ایران

۱- متون اوستایی

با مطالعه سروده های زرتشت به بسیاری از نکات و صفات اخلاقی ستوده که بشر در طول تاریخ بدانها نیازمند بوده است، پی می بریم. این خصوصیات به شهادت بسیاری از مورخان باستان جزء عادات ایرانیان بوده، باعث افتخار و بالیدن آنها گردیده است. هر ایرانی در دوران زندگی خویش به داشتن صفاتی چون عیاری، جوانمردی، رادی و راستگویی افتخار می کرده و آن را سرمایه ملی خویش می دانسته است. در میان کتابهای دینی که به زبان اوستایی به دست آمده می توان بسیاری از این اصول اخلاقی را جستجو کرد. اگر چه بیشتر این آثار در معرض هجوم اسکندر و بعد از آن تازیان و سپس قوم مغول قرار گرفت، اما به حکم آنکه مشت نمونه است از خروار، از همین متون به دست آمده نیز می توان به فرهنگ و تمدن این مرز و بوم پی برد و ارزش مطالعه این گونه آثار را بیشتر دانست. استاد پورداوود «پورداوود، یشتها، ج ۱، دیباچه، ص ۴۵ و ۴۶» در مورد بهره ای که از خواندن اوستا دست می دهد می نویسد:

«فوائد تحصیلات اوستایی منحصر به فوائد تاریخی و لغوی آن نیست. فائده دیگری که بخصوص ما می توانیم از آن برداریم این است که وطن ما بغایت نیازمند اخلاق پاک و صفات پسندیده است. خصلتهایی که نیاکان ما را بزرگ و خاک آنان را آباد می داشت، از ایران رخت بر بست. دیو دروغ جای فرشته راستی را گرفت. کار و کوشش به تن پروری و سستی مبدل گردید. دلیری و رادمردی به ترس و چاپلوسی جای برگذار نمود، و جلال به دریوزی و قلندری تغییر یافت.... سراسر یشتهای اوستا حاکی از فر و بزرگی و پارسایی و داد و دهش و کوشش و راستگویی و دلیری و وطن پرستی نیاکان ماست.»

دین مزدیسنا بر اصولی اخلاقی و فرهنگی پایه گذاری شده است و بیشتر نمادهای نیک آن چون ایزدان و امشاسپندان که اهورایی دانسته شده اند، و هر یک نمونه کامل خصوصیت اخلاقی که بدان متصف شده است می باشد، به دستورات اخلاقی ستوده رهنمون هستند، و بالعکس نمادهایی که نماینده زشتی شمرده شده و اهریمنی خوانده می شوند، با اخلاق انسانی مخالف و همواره انسان را به سوی خصوصیاتی که در این دین ضد اخلاق به شمار می رود سوق می دهند. «اساس و بنیان ایده ثلوثی مزدایی مبارزه ای پی گیر و بی امان است میان خیر و شر، میان نیکی و بدی، میان نور و ظلمت، به همان سان پیکار زرتشت و پیروان آیین راستی با دروغ پرستان نیز مبارزه ای است بدون مصالحه و سازش». «رضی، هاشم، ۱۳۶۰، ص ۳۵»

استاد پورداوود «پورداوود، یشتها، ج ۱، ص ۱۵ و ۱۶» نیز در مورد این مبارزه و وعده پیروزی راستی که در اوستا بدان اشاره شده می نویسد:

«تمام صفحات اوستا نمودار میدانهای جنگ خوبی و بدی است. اوصاف پسندیده مثل راستی و درستی و دلیری و رادمردی و دادگری و کوشش، در مقابل دروغ و فریب و ترس و رشک و ستم و تن پروری، صف کشیده، در زد و خوردند. تا جهان پایدار است این ستیزه برقرار است. پروردگار مهربان از برای پیروزی بندگان در این میدان کارزار، پیغمبر و تعلیماتی فرستاد و به واسطه آیین راستین اسلحه مهلکی بر ضد جنود دروغ به دست انسان داد و نظر به اینکه در مزدیسنا بدبینی و نومیدی راه ندارد، انسان را به فتح و ظفر مطمئن ساخته اند و بالاخره در سرانجام از ظهور سوشیانس، یعنی موعود مزدیسنا شکست جنود اهریمن و نابود گشتن آن وعده داده شده است».

شعار معروف دین مزدیسنا از چند کلمه ساده تشکیل شده است که به کار بستن آن موجب ارتقای بشر به تکامل انسانی می باشد، و آن کلمات بس معروف، پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است. این سه کلمه در همه صفحات اوستا تکرار شده است و ریشه اعمال نیک قرار گرفته شده است. غیر از راستی از اصول اخلاقی دیگر نیز سخن گفته شده و انسانها را ملزم به رعایت آن دانسته است. بنابراین شناخت ویژگیهای اخلاقی نیاکان سرزمین ایران منوط به مطالعه و تتبع در اینگونه آثار دینی به خصوص اوستا است.

۲- کتب پهلوی

برای دریافتن خصوصیات اخلاقی در ایران باستان جدای از اوستا می توان به کتب دیگر پهلوی نظیر دینکرد، مینوی خرد، زات اسپرم و ارداویراف نامه و نیز اندرزنامه هایی که به دست آمده است رجوع کرد. در ذیل به ذکر نمونه هایی از نکات اخلاقی که در این نامه ها آمده اکتفا می کنیم:

در کتاب مینوی خرد در پرسش ۳۸ آمده است: ۱ پرسید دانا از مینوی خرد ۲ که کدام نیرو شایسته تر ۳ و از نظر خرد چه کسی کامل تر ۴ و از نظر خیم «= خوی» چه کسی استوارتر ۵ و گفتار چه کسی خوبتر ۶ و نیکی در اندیشه چه کسی کمتر ۷ و از نظر مهر چه کسی بدتر ۸ و خوشی در اندیشه چه کسی کمتر ۹ و از نظر دل چه کسی شایسته تر ۱۰ و در تحمل چه کسی پسندیده تر است. ۱۱ و چه کسی را معتمد نباید داشت. ۱۲ و آن چیست که سزاوار است آن را درباره هر کسی به کار برند. ۱۳ و آن چیست که آن را درباره هیچ کس نباید به کار برد. ۱۴ و چه

کسی را باید معاشر گرفت. ۱۵ و چه کسی را به عنوان گواه نباید پذیرفت. ۱۶ و نسبت به چه کسی فرمانبردار باید بود. ۱۷ و به چه چیز باید اندیشید و سپاس داشت. ۱۸ و چه چیز را به هیچ وجه نباید نامحترم «خوار» کرد. ۱۹ و آن کیست که در پایه خود برابر اهرمن و دیوان (دانسته شده است)؟

«۲۱ مینوی خرد پاسخ داد ۲۲ که به نیرو کسی شایسته تر است که چون او را خشم گیرد بتواند خشم را فرو نشاند و گناه نکند و خویشان را آرام گرداند. ۲۳ و به خرد کسی کامل تر است که بتواند روان خویش را نجات بدهد. ۲۴ و از نظر خیم «= خوی» کسی استوارتر است که هیچ گونه فریب و بهانه ای در او نیست. ۲۵ و گفتار کسی خوب تر است که راست تر گوید. ۲۶ و نیکی در اندیشه مرد خشمگین کم است. ۲۷ و از نظر مهر مرد کینه ور آزار رساننده بدتر است. ۲۸ و خوشی در اندیشه مرد حسود کمتر است. ۲۹ و از نظر دل کسی شایسته تر است که گیتی را رها کند و مینو را بگیرد. ۳۰ و به میل خویش پارسایی را به گردن پذیرد. ۳۱ و در تحمل کسی پسندیده تر است که بدی و آفتی را که از اهرمن و دیوان و بدان بر او می رسد به خرسندی و از روی میل به گردن پذیرد. ۳۲ و به هیچ وجه روان خویش نیازارد. ۳۳ و کسی را نباید استوار «= معتمد» داشت که از ایزدان بیم و درباره مردم شرم ندارد. ۳۴ و آنچه که در مورد هر کسی سزاوارتر است به کار برده شود، آشتی و دوستی است. ۳۵ و آنچه که در مورد هیچ کس نباید به کار برده شود، کین و دشمنی است. ۳۶ و این سه را باید مصاحب به شمار آورد: اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک در اندیشه و گفتار و کردار خویش. ۳۷ و این سه را به عنوان گواه نباید پذیرفت: زن و کودک نابالغ و مرد بنده. ۳۸ و این چند تن را فرمانبردار باید بود و پرستش باید کرد. ۳۹ زن شوهر را ۴۰ و فرزند پدر و مادر و سالار و دستور و استاد و قیم و خویشاوند عاجز را. ۴۱ و نسبت به سروران «= خدایان» و سالاران و استادان باید فرمانبردار بود. ۴۲ و به ایزدان بیشتر باید اندیشید و (آنان را) سپاس داشت. ۴۳ و روان خود را به هیچ وجه بی حرمت «خوار» نباید کرد، ۴۴ و همیشه در یاد باید داشت. ۴۵ و داوری که داوری درست کند و رشوه نستاند، از نظر پایه خویش برابر اورمزد و امشاسپندان، ۴۶ و آن که داوری دروغ کند، از نظر پایه خویش برابر اهرمن و دیوان دانسته شده است.» «تفضلی، ۱۳۸۰، ص ۵۳ و ۵۴»

در کتاب ارداویراف نامه فصل چهار «آموزگار، ۱۳۸۲، ص ۵۰-۵۲» در مورد روان درگذشتگان نیکوکاری که از پل چینود^۱ به سلامتی می گذرند اینگونه آمده است: «۵ هنگامی که به آنجا فراز آمدم و دیدم روان درگذشتگان را که در آن سه شب نخست، روان به بالین تن نشسته بود و این گفتار گاهانی را می گفت: نیکی کسی راست که به دلیل کار نیک خود به همه نیکی می کند... ۷ در سپیده دم روز سوم آن روان اهلوان در میان گیاهان با بوی خوش می گشت... ۹ و «دین» او و کنش او به شکل دوشیزه زیبای نیک دیدار پیش آمد، خوش برآمده، یعنی که در راستی زیسته است، فراز پستان، یعنی که او را پستان برجسته است، از دل و جان خواستنی، تنش چنان روشن بود که به دیدار دوست داشتنی تر، یعنی که خواستنی تر ۱۰ و پرسید آن روان اهلوان از آن دوشیزه که تو کیستی؟ که من هرگز در دوران زندگی هیچ دوشیزه ای نیکوتر و زیباتر از تو ندیده ام. ۱۱ و آنکه دین و کنش خود او بود پاسخ داد که: «من کنش توام، جوان خوب اندیشه خوب گفتار خوب کردار خوب دین». ۱۲ به دلیل کام و کنش توست که من ایدون بزرگ، خوب، خوش بوی و پیروزگر و بی آسیب هستم. آنگونه که به نظر تو می رسد... ۱۴ هنگامی که من فربه بودم، آنگاه تو فربه ترم کردی، هنگامی که من نیک بودم، آنگاه تو نیک ترم کردی. هنگامی که شایسته بودم، آنگاه تو شایسته ترم کردی و هنگامی که محترم بودم تو مرا محترم تر کردی، با اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک که تو انجام دادی. تو مرد اهلو، پس از تو با ستایش طولانی اورمزد را بستایند و با او هم سخنی کنند. چون دیرزمانی اورمزد را بستایند و با او هم سخنی خوب کنند، از آن آسایش باشد».

سپس در مورد روان دروغ گویان و چگونگی گذشتن آنها از پل چینود در فصل ۱۷ «آموزگار، ۱۳۸۲، ص ۶۳ و ۶۴» گوید: «۵ و «روان» بر سر آن «= تن دروند»^۲ ایستاده بود در حالیکه این گفتارهای گاهانی را میگفت: «دادار اورمزد به کدام زمین روم و چه کسی را به پناه گیرم؟» ۶ و به او آن شب چندان بدبختی و سختی رسد، به اندازه ای که «در گیتی» مردی در گیتی در سختی و بدبختی زندگی کرده است. ۷ پس بادی سرد و بدبو به پیشواز او آید... ۹ و در آن باد دین و کنش خویش را می بیند [به صورت] زن روسپی برهنه، پوسیده، آلوده ... همچون ناپاکترین و بدبوترین خرفستری^۳ که زیان رساننده ترین است. ۱۰ پس روان دروند می گوید تو کیستی که

^۱ در اوستایی چینوت civat، پلی که در روز پسین روان درگذشتگان از آن گذشته، به بهشت یا جهنم می روند. صفت چینونت به معنی آزماینده و بازشناسنده با واژه پرتو که به معنی پل است می آید. ربک: گاته ها، ص ۵۶

^۲ دروند به معنی بدکار و دروغگو است.

^۳ حشرات و جانوران مودی که در اوستا کشتن آنها کرفه و ثواب دانسته شده است.

من هرگز میان آفریدگان اورمزد و اهریمن، زشت تر، ریمن تر (= ناپاک تر) و بدبوتر از تو ندیدم. ۱۱ گوید من کنش بد توام. جوان بداندیشه بدگفتار بدکردار بددین. ۱۲ به دلیل کام و کنش توست که من چنین زشت و بد و گناه آیین و برهنه و پوسیده و ناپیروزگر و آزرده هستم، که چنین به نظر تو می رسد.... ۱۵ هنگامی که من بی اعتقاد بودم. یعنی مرا بد می پنداشتند، آنگاه تو مرا بی اعتقادتر کردی. ۱۶ هنگامی که من نالان بودم تو مرا نالان تر کردی. هنگامی که در شمال نشسته بودم، آنگاه تو مرا در جای شمالی تری نشانیدی با این اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد که تو انجام دادی.... ۲۰ پس روان بدکاران، نخستین گام را به اندیشه بد فراز برد و دو دیگر گام را به گفتار بد و سدیگر را به کردار بد و به گام چهارم به دوزخ شتافت».

در کتاب بندهشن نیز به پاداش پاکدینان و مکافات بدکرداران اشاره شده، انسانها را به انجام نیکی فرامی خواند و آنها را از مبادرت به دروغ گویی و اعمال ناشایست برحذر می دارد. در بخش پانزدهم در مورد روان درگذشتگان می گوید: ... اگر آن روان پرهیزگار است، در راه او را گاو پیکری به پذیره رسد فربه و پرشیر که روان را از او کامگاری و رامش رسد. دیگر کنیز پیکری [به] پذیره رسد نیکوتن، سپیدجامه و پانزده ساله، که از همه سوی نیکو است، که روان بدو شاد شود. دیگر بستان پیکری رسد پربار، پرآب، پرمیوه، بس آباد، که روان را [از آن] شادی و غنای اندیشه رسد، که بوم بهشتی است.... اگر آن روان دروند است، آنگاه او را گاو پیکری به پذیره رسد خشک، نزار و سهمگین که روان را از او خشکی و چربی نزار رسد. دیگر کنیز پیکری رسد، سهمگین، زشت پیکر که گستاخی [در] او نهفته است، از همه سوی سهمگین است. که روان را از او بیم و ترس رسد. دیگر بستان پیکری رسد بی آب، بی درخت، بی آسایش که روان را [از او] بداندیشی رسد، که بوم دوزخی است. «بهار، مهرداد، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵»

چنانکه مشاهده شد در این کتب برای گناهکاران و دروغگویان روز سختی در پیش خواهد بود و همگی آنان در روز بزرگ به سزای اعمال خویش خواهند رسید. در مقابل برای پرهیزگاران و کسانی که به دین عمل کردند و راه راست را پیمودند در روز جزا پاداش و آرامشی در خور و شایسته مهیا است. آنگونه که در این کتب دینی و ادبی به طرز زیبا و تأثیرگذار توصیف شده است.

برای ترجمه و احیای کتب دینی و اخلاقی ایران باستان تلاش زیادی از سوی محققان و مترجمان آثار اوستایی و ادبیات باستانی صورت گرفته است. بجاست فرزندان این مرز و بوم از زحمات این اساتید استفاده بیشتر کرده آداب و ویژگیهای رفتاری نیاکان خویش را بدانند و در به